

اسانلو: حتی یک کلمه هم از حقوق قانونی کارگران کوتاه نمی آیم

مسعود باستانی

بیست ششم تیر هشتاد و هفت

- ایران برای ماست و من تا آخرین لحظه از اینجا تکان نمی خورم. آنقدر تلاش می کنیم تا مسئولینی که صداقت دارند به صداقت ما پی ببرند و آزادی لازم برای فعالیت های سندیکایی مهیا شود - در کجای دنیا زن و بچه یک کارگر را ساعت ۴ صبح از رخت خواب بیرون می کشند و به بازداشتگاه می برند؟! - من می گویم که بچه های همین انقلاب و برای پیروزی نهضت تلاش کرده ام، ولی از شما می پرسم آقایان وزیر و نمایندگان مجلس که مرا متهم می کنند، چند بار توسط ساواک بازداشت شده یا تحت تعقیب قرار گرفته اند؟ - الان ایران روزی ۴ میلیون و سیصد هزار بشکه نفت به قیمت ۳۰ دلار می فروشد. خوب! این پول کجا می رود؟! کارگران نیشکر هفت تپه حقوق نگرفته اند و وقتی اعتراض می کنند با آنها برخورد می شود. شهرگان: چندی پیش بود که شنیدم بار دیگر منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه برای جراحی چشم به بیمارستان لبافی نژاد منتقل شده بود. او که اکنون مدت چندین ماه است در زندان اوین بسر می برد به عنوان یکی از سرشناس ترین چهره های فعال در عرصه سندیکاهای کارگری و مبارزات صنفی شهرت یافته است. تلفن دوستی که می خواست به ملاقات اسانلو برود عطش دیدار و گپ و گفت با او را بیشتر کرد. آشنایی چند ساله با مردی که همیشه از بطن مبارزات صنفی و ضرورت شکل دهی نهادهای مدنی سخن می گفت و علاقمندی ام به پیگیری فعالیت های مربوط به سندیکای کارگران شرکت واحد، باعث شد تا ملاقات و احوالپرسی از این دوست به یک گفتگو بدل شود. منصور بیمار بود و به دستور پزشکان قلب در بخش مراقبت های ویژه نگهداری می شد ولی همه آنهایی که یک بار او را از نزدیک دیده اند تایید می کنند که گویا هیچ دردی نمی تواند او را از طرح دیدگاه ها و حقوقی که می گوید در انقلاب ۵۷ در کنار ملت ایران برای آنها مبارزه کرده است باز بدارد. از او و برخی رفتارهای رادیکال انتقاد داشتم ولی پس از پاسخ ها و پایان گفتگو دیدم که حتی پزشکان، پرستاران و سربازان و ماموران زندان هم به نظراتش احترام گذاشته و سندیکا را ضرورت حرفه خود می دانند. این روزها منصور اسانلو به بند بازگشته و در هفته ای که گذشت بار دیگر به دادگاه احضار شده تا اتهامات جدیدی به وی تفهیم شود. شاید هم بی خبری از این اتهامات جدید باعث شد تا او از رفتار غیرقانونی مسئولان گلایه کند اما برایم جالب بود که در لحظه لحظه ای این گفتگو بر قانون پافشاری می کرد و تاکید داشت که حتی یک کلمه بیش از حقوق قانونی خود و همکاری را مطالبه نکرده و از سوی دیگر یک کلمه هم کوتاه نخواهد آمد.

م. ب

آقای اسانلو قبل از هر چیز باید بگویم فرصت گفتگو با شما روی تخت بیمارستان و در حالی که در بخش مراقبت های ویژه

بستری هستید، به اندازه خود این گپ وگفت بر ایم جالب است. چون شاید هرکس دیگری به جز شما بود این گفتگو را به زمانی دیگر موکول می کرد. به عنوان سؤال اول می خواهم بدانم در حال حاضر وضعیت جسمانی شما چه طور است و نظر پزشکان چیست؟

من برای سومین عمل جراحی چشم به بیمارستان منتقل شدم و چون در طول این سه جراحی مجموعاً ۱۵ ساعت بیهوشی داشتم بعد از جراحی سوم درد شدیدی در قفسه سینه‌ام احساس کردم تا اینکه پزشکان بعد از معاینه گفتند که وضع قلبم خوب نیست و باید به اینجا (بخش مراقبت‌های ویژه) منتقل شوم. پزشکان متخصص هم بعد از بررسی اعلام کردند که دو تا از عروق من حدود ۶۰٪ بسته شده‌اند. چون در سال ۷۶ جراحی قلب داشتم و در آن وقت از رگ‌های پا جهت پیوند استفاده کرده بودند، الان دکترها می‌گویند که به شدت باید مراقب باشم، زیرا احتمال بسته شدن یا آسیب دیدگی دوباره این رگ ها وجود دارد.

خوب! وضعیت چشم و بینایی شما چه طور است، زیرا آنطور که می دانم این مشکل بینایی شما به علت برخی ضربات در مسیر فعالیت‌ها و تلاش‌های صنفی و سندیکایی ایجاد شده‌است؟

سومین عمل جراحی چشم، بعد از دو بار درمان لیزری و دو بار جراحی انجام شد و همانطور که شما گفتید به خاطر ضرباتی که خورده بود شبکیه، عنبیه و قرنیه از بین رفته بود. در واقع زحمت و تلاش پزشکان متخصص و انسان‌دوست، چشم کور مرا بینا کرد. همه پزشکان و پرستاران این بیمارستان وقتی فهمیدند که من زندانی هستم و به خاطر دفاع از حقوق کارگران این طور شده‌ام نهایت تلاش و همدلی را با من داشتند و اکنون ۷۰ درصد بینایی چشمم را به دست آورده‌ام. اما قلبم همچنان نوسان دارد و فشارم دائم بالا می رود. متأسفانه حضور ماموران زندان در اینجا باعث فشار روحی به من می شود زیرا آنان در ابتدا برخلاف اصول حقوق بشری با اسلحه در اینجا رفت و آمد می‌کردند اما پس از اعتراض من و پرسنل بیمارستان دیگر این کار را نکردند. البته دوست دارم همین‌جا به نکته‌ای هم اشاره کنم و آن این است که بسیاری از حقوق کارکنان و ماموران زندان هم پایمال می‌شود و مسائل صنفی آنان رعایت نمی‌شود به همین دلیل هم وقتی آنان درمی یابند که ما از حقوق کارگران و مسائل صنفی دفاع می‌کنیم کمال لطف و همکاری را با ما دارند اما ماموران معاونت امنیت و پلیس تهران به آنان فشار می‌آورند.

یعنی حقوق شما به عنوان یک زندانی در زندان اوین رعایت می شود؟

بلی! ریاست زندان آقای صداقت حقوق زندانی را رعایت می‌کنند و حتی گاهی کمک هم می‌کنند. سایر مسئولین و ماموران زندان هم تاکنون هیچ رفتار خلاف قانون یا حقوق بشر علیه من انجام نداده‌اند.

پس چرا می‌گویید که به شما فشار می‌آورند؟

خوب الان مشکل من با معاونت امنیت است. زیرا آنها اولاً به رغم اینکه کار محاکمه من تمام شده و ۵ سال هم حکم بریده‌اند، هنوز حاضر نیستند تا رونوشتی از این حکم را در اختیار من یا وکلایم بگذارند و ثانیاً اینکه علی‌رغم ۷ ماه تلاش آقایان خورشید و دکتر یوسف مولایی هنوز به آنها اجازه ملاقات با من را نداده‌اند. این ملاقات از این جهت مهم است که من بایستی منوط به ماده ۱۸ وکالت نامه‌ای را جهت طرح دعوی در دیوان عالی کشور امضا کنم و آقایان وکلا از این طریق به دنبال اعاده دادرسی بروند. اما متأسفانه تاکنون اجازه ملاقات با وکیل به من داده نشده است و حتی وقتی آنها از آقای «سالار کیا» معاون دادستان تهران در امور زندان‌ها نامه گرفتند باز هم ممانعت به عمل آمد. خوب بخشی از

این حقوق قانونی‌ام که جنبه قضایی و پزشکی دارد، پایمال می‌شود.

این فشارها از کجاست؟ شما که از رفتار مسئولین زندان ابراز رضایت کردید؟

آنطور که مطلع شده‌ام، متأسفانه معاونت امنیت با مقامات و مسئولین زندان تماس می‌گیرد تا به من مرخصی ندهند. حتی مرخصی نوروزی یا مرخصی پزشکی هم به من داده نمی‌شود. شما نگاه کنید، پزشکی قانونی غرب تهران تایید کرده‌است که من بایستی به مدت ۴۵ روز خارج از محیط زندان استراحت پزشکی داشته‌باشم اما با یک تماس تلفنی از دادگاه و معاونت امنیت حتی به نظر پزشکی قانونی به عنوان نهاد معتمد هم اهمیتی داده نشد. حتی مرخصی استعلاجی هم به من داده نشد.

آقای اسانلو شما به عنوان فردی که همواره مشی اصلاح طلبانه را دنبال می‌کردید و به تغییرات تدریجی اعتقاد داشتید اکنون به عنوان رهبر یکی از حرکت‌هایی شناخته می‌شوید که در کنار سایر جنبش‌ها به وسیله نافرمانی مدنی برای کسب خواسته‌ها و مطالباتش تلاش می‌کند و همین راهبرد تا حد بسیار زیادی هزینه فعالیت شما را بالا برده و نتایج حاصله را کاهش داده‌است. آیا فکر نمی‌کنید که در این شرایط بهتر است آرام‌تر حرکت کنید؟ آیا هنوز مبارزات مدنی را موثر می‌دانید؟ من تحلیل شما را قبول ندارم. چون حرکات ما نافرمانی مدنی نیست. ماده ۱۴۲ قانون کار دقیقاً اجازه و حق انتخاب تشکل را به کارگران داده‌است و مهمتر اینکه حتی اگر اعتصابی هم صورت بگیرد به صورت تلویحی ظرفیت قانونی آن به شکل ترک کار در قوانین ما موجود است. البته تا زمانی که من مدیر سندیکا بودم ما اعتصاب نکردیم و هیچ بیانیه‌ای مبنی بر اعتصاب در دوران حضور بنده در هیات مدیره سندیکا صادر نشد. اگر هم اعتصابی صورت گرفت در واقع به علت این بود که همکاران زحمت کش ما قصد داشتند تا از اعضای هیات مدیره و کارگران دفاع کنند. اگر مسئولین اقدام غیرقانونی نمی‌کردند و بصورت غیر قانونی هیات مدیره سندیکا و کارگران عضو سندیکا را بازداشت نمی‌کردند، اعتصابی هم صورت نمی‌گرفت. در بهمن ماه سال ۸۴ آقای قالیباف شهردار تهران در یک جمع ده هزار نفری از کارگران شرکت واحد به آنان قول داد تا مشکلات را حل کند. خوب اولین درخواست آن تجمع آزادی منصور اسانلو و آزادی فعالیت سندیکا بود. ما تنها خواستار اجرای پیمان‌های دست جمعی و رعایت حقوق قانونی کارگران هستیم. اما الان شما مشاهده می‌کنید که چند مورد کوچک آن هم اجرا نشده‌است. من هنوز در زندان هستم و همچنان حراست شرکت واحد اتوبوس‌رانی کارگران عضو سندیکا را به اخراج تهدید می‌کند. ما حتی یک کلمه بالاتر از حقوق قانونی خود چیزی نمی‌خواهیم اما حاضر هم نخواهیم شد که یک کلمه از آن پایین‌تر بیاییم. بحث ما کاملاً قانونی و معین است ولی متأسفانه آنها کارگران فعال در سندیکا را کتک می‌زنند یا اینکه همکارانمان را دستگیر کرده و به انفرادی می‌برند. در کجای دنیا زن و بچه یک کارگر را ساعت ۴ صبح از رخت خواب بیرون می‌کشند و به بازداشتگاه می‌برند؟! این وقایع دروغ یا مظلوم‌نمایی نیست! تمام اسناد آن موجود است و ما از نیروی انتظامی شکایت کردیم. آنها ساعت ۴ صبح به خانه آقای یعقوب سلیمی عضو فعال سندیکا رفته و زن و بچه او را با خود بردند.

دقت کنید، اگر ما روی پیمان‌های دست جمعی پا فشاری نمی‌کردیم. امروز حتی مسئله ساده میان وعده غذایی شیر و کیک برای رانندگان اجرا نمی‌شد. این در واقع جزء پیمان‌هایی است که ۳۰ سال پیش با کارفرمایان بسته شده‌است. همین الان رانندگان ماهانه ۴۵ هزار تومان بابت پول نهار دریافت می‌کنند در حالی که تا پیش از فعالیت سندیکا به مدت ۴۰ سال پیاپی، این مبلغ ۹۰۰ تومان بود. فعالیت‌های قانونی سندیکا و ایستادگی ما بر سر پیمان‌های دست جمعی و مقوله

نامه‌های سازمان بین‌المللی کار نتایج خوبی را برای کارگران داشته‌است.

اجازه دهید کمی بی‌پرده سؤال کنم. من هم قبول دارم که سندیکا دستاوردهای خوبی برای کارگران داشته‌است. اما آقای اسانلو باید بپذیرید که مدیریت شرکت واحد و نهادهای مسئول که مخالف فعالیت شما بودند با اخراج عده‌ای از کارگران عضو سندیکای شرکت واحد تهران و حتی خصوصی سازی و واگذاری اتوبوس‌ها به رانندگان توانستند هیات مدیره سندیکا را در میان کارگران منزوی کرده و با زندانی شدن شما و تعدادی از چهره‌های فعال، عملاً کارگران را از ادامه فعالیت‌های سندیکایی و همراهی با شما منصرف کنند. چون همانطور که گفتم هزینه کار بسیار بالا رفت. به نظر شما آیا نباید راه‌های جدیدی برای پیگیری مطالبات صنفی و فعالیت‌های سندیکایی جستجو کرد؟ شما هم می‌دانید که این روزها تشکیل سندیکا و فعالیت‌هایی سندیکایی به خط قرمز تبدیل شده‌است، آیا نمی‌خواهید برای حفظ منافع خود و سایر اعضای سندیکا که از کار اخراج شده‌اند مکانیزم تازه‌تری پیدا کنید؟

من تنها می‌گویم که مشکل از ما نیست. زیرا که ما از روز اول بر قانون پافشاری کردیم و همچنان هم به راه خویش ادامه خواهیم داد. طبقه کارگر بیشترین آمار را در بین شهدای این کشور داشته است. همه کوچک و پس‌کوچه‌های جنوب شهر به نام شهدای کارگری است که جان خود را در راه مبارزه با سلطنت و یا دفاع از این آب و خاک از دست داده‌اند. بعد از انقلاب و جنگ هم به جای آنکه چیزی نصیب آنان شود تنها فقر، بیکاری و فساد گریبانشان را گرفت. آقایانی که متمول بودند و در اروپا تحصیل کرده بودند با مدرک دکتری و مهندسی به کشور آمدند و عده‌ای هم که در انجمن‌های اسلامی آمریکا و اروپا حضور داشتند الان به ریاست و پست و مقام رسیده‌اند. مشکل ما نیستیم بلکه مشکل کسانی هستند که ضد آرمان‌های انقلاب ۵۷ عمل می‌کنند. جرم ما چیست؟ کارگران در اول ماه می تنها حق قانونی خود را مطالبه می‌کنند. حقی که قوانین جمهوری اسلامی هم آن را به رسمیت می‌شناسد. اما گویی که آقایان با قوانین جمهوری اسلامی هم مخالفند! من می‌گویم که بچه‌ی همین انقلاب و برای پیروزی نهضت تلاش کرده‌ام، ولی از شما می‌پرسم آقایان وزیر و نمایندگان مجلس که مرا متهم می‌کنند، چند بار توسط ساواک بازداشت شده یا تحت تعقیب قرار گرفته‌اند؟ چند بار به جبهه‌ها رفته و چه قدر سوابق مبارزاتی دارند؟ متأسفانه الان خانواده امام خمینی هم مظلوم واقع شده‌اند! و آقایان هاشمی رفسنجانی و کروبی هم تخریب می‌شوند! درحال حاضر جامعه کارگری کشور زیر خط فقر قرار دارد چون به گفته اقتصاددانان افرادی که زیر ۶۰۰ یا ۷۰۰ هزار تومان در ماه درآمد دارند زیر خط فقر هستند. حرف ما این است که طبق قانون اساسی دولت موظف است که شرایط اشتغال، مسکن، و کار را برای همگان فراهم کند. الان ایران روزی ۴ میلیون و سیصد هزار بشکه نفت به قیمت ۳۰ دلار می‌فروشد. خوب! این پول کجا می‌رود؟! کارگران نیشکر هفت تپه حقوق نگرفته‌اند و وقتی اعتراض می‌کنند با آنها برخورد می‌شود. خوب ما به شیوه مدیریتی مسئولین اعتراض داریم. این اعتراض هم حق ماست. چون خود مقام رهبری (آیت الله خامنه‌ای) هم صراحتاً می‌گویند انتقاد به مسئولین اشکالی ندارد.

ما نسبت به اجرای فصل سوم قانون اساسی که حقوق ملت در آن نهفته است اعتراض داریم و اتفاقاً بر سراینکه رفتارهای مسئولین نباید ناقض حقوق ملت باشد پافشاری کرده و کوتاه نمی‌آییم. زیرا معتقدم که اگر قرار باشد که قانون اساسی رعایت نشود، دستاوردهای انقلاب از بین خواهد رفت و دوباره به همان نظام شاهنشاهی باز می‌گردیم.

شما بیمار هستید و سئوالات من هم زیاد است. اما پرسش آخرم این است که اکنون پس از سندیکای کارگران شرکت واحد تهران شاهد شکل گیری برخی فعالیت های صنفی و سندیکایی دیگر در کشور هستیم. کارگران خباز شهرستان سقز و یا کارگران هفت تپه مشغول تاسیس سندیکا و فعالیت های صنفی هستند. شما چه چشم اندازی را پیش بینی می کنید؟

آن طور که خبردار شدم، کارگران نیشکر هفت تپه مدارک لازم برای تشکیل سندیکا را به اداره کار شهرستان خود تحویل داده اند و به زودی مجمع عمومی سندیکای آنها تشکیل می شود. اتحادیه عمومی کارگران کارخانه های کردستان هم سندیکایشان را شکل داده اند و ما هم از آنها حمایت می کنیم. همچنین در ایران خودرو هم هیات موسس سندیکا در حال شکل گیری است. همه سندیکا به هم می پیوندند و می توانیم اولین اتحادیه آزاد و فدراسیون مستقل کارگران ایرانی را تشکیل دهیم و هرچه بهتر از ظرفیت های قانونی برای کمک به کارگران استفاده کنیم. چشم انداز من این طور معنا می شود که در حال حاضر کشور ما ۱۵ میلیون کارگر دارد و ایشان به همراه خانواده هایشان یک جمعیت ۶۰ میلیونی خواهند شد. خوب اگر فدراسیون سراسری کارگران تشکیل شود هر کسی که بخواهد رئیس جمهور شود اول باید با ما مذاکره کند. واقعیت این است که وجود سندیکاها موجب تقویت امنیت و اتحاد ملی خواهد شد و خود سندیکا یکی از موانع تجزیه طلبی است که می تواند توطئه های خارجی را کم رنگ کند. کشوری که مردم آن با هم پیوند داشته و این ارتباط ارگانیک باشد بسیار مستحکم است و هیچ نیروی خارجی جرات حمله و یا تجاوز به آن را پیدا نمی کند.

منصور جان! این سؤال من کمی شخصی است. پسرانت دیگر بزرگ شده اند و تو اکنون بیمار و زندانی هستی؟ آیا از راهی که رفتی رضایت داری؟ به گمان تو آیا بهتر نبود فعالیت هایت را در خارج از کشور دنبال می کردی؟

ببین! ایران برای ماست و من تا آخرین لحظه از اینجا تکان نمی خورم. آنقدر تلاش می کنیم تا مسئولینی که صداقت دارند به صداقت ما پی ببرند و آزادی لازم برای فعالیت های سندیکایی مهیا شود. جریان سفرم به خارج از کشور هم برای ادامه کار بود چون من با اجازه هیات مدیره سندیکا به اروپا رفتم و می بایست برمی گشتم تا گزارش سفر را ارائه کنم. من تنها نبودم که دیگر برنگردم، بلکه در مقابل ۸ هزار نفری که به من رای داده بودند، مسئولیت داشتم. الان احساس می کنم خوشبخت ترین مرد دنیا هستم، چون شاهد آشنایی تدریجی کارگران سرزمینم با حقوق صنفی و سندیکایی و ایستادگی آنها هستم. امروز شنیده ام که مطبوعات ایرانی بیش از پیش به اخبار کارگری توجه می کنند و علیرغم آنکه گویا درج اخبار مربوط به سندیکا ممنوع اعلام شده است ولی به خاطر اینکه سندیکاها در بین مردم جا باز کرده و به سرنوشت آن علاقمندند روزنامه ها ریسک کرده و اخبار را منتشر می کنند که در اینجا از همه آنها ممنون و سپاسگزارم.

مسعود باستانی

شهرگان

چهارشنبه ۲۶ تیر ۱۳۸۷